

دین، گرچه به صورت ایمان مذهبی مؤمنان تبلور می‌یابد، ولی این ایمان از قالب‌های شخصی و فردی فراتر رفته و چهره‌ای جمعی و گاه سازمانی می‌یابد. از همین روی، به غیر از کارکرد اصلی‌اش که به خود دین و ایمان مذهبی باز می‌گردد، کارکردهای دیگری نیز می‌یابد که منوط به شکل‌گیری گروه است؛ به بیانی دیگر، آن کارکردهای ثانوی، کارکردهای ایمان مذهبی نیستند، بلکه کارکردهای ارتباطات متقابل هستند که در قالب گروه‌های پایدار و نیمه پایدار شکل گرفته است. همین تفکیک نیز، می‌تواند ما را به وجود نهادی به نام دین رهنمون کند. دین، هر چه که می‌خواهد باشد، ولی در عرصه‌ی حیات اجتماعی و جامعه‌ی در قالب اموری تبلور می‌یابد که کاملاً بشری، اجتماعی و اعتباری‌اند و همین اعتباری بودن، راه را برای هرگونه کنکاش هموارتر می‌سازد.

یکی از جلوه‌های نهاد دین، هیأت‌ها و جلسه‌های مذهبی است که از سوی معتقدان، برای انجام برخی از مناسک مذهبی برگزار می‌شود. در جامعه‌ی ما نیز، این وجه در اشکال و قلمرو وسیعی خودنمایی می‌کند که هم تنوع و هم دامنه‌ی گستردگی و حضور آن بازتولید ساخت اجتماعی و روابط قدرت (در معنای کلان آن و نه صرفاً معنای تخصصی و سیاسی‌اش) می‌باشد. برای ورود به بحث اصلی، می‌توان به تفکیک جلسه‌های مذهبی مردان و زنان اشاره کرد که حاصل روابطی است که در آن تفکیک جنسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. و هم می‌توان به شیوع و گستردگی آن توجه نمود که حاصل روابطی است که در آن، گونه‌ای از ارزش‌های مذهبی از جایگاه خاصی برخوردار می‌باشد.

همین تفکیک صلب جنسی و جایگاه آن ارزش‌های مذهبی در جامعه‌ی ما، شکل‌گیری جلسه‌های مذهبی زنانه را در قالب‌های گوناگون، و سطحی وسیع، به راه رهنمون است؛ گویی ساختار کهن، با آگاهی برای تداوم حضور و حیات خود این‌گونه عمل می‌کند تا عناصرش را به شیوه‌های گوناگون بازتولید نماید.

این‌که جلسه‌های مذهبی زنان از چه تاریخی ایجاد شده‌اند و چگونه شکل گرفته‌اند، در این جا مورد بحث قرار نمی‌گیرد؛ با این حال، به نظر می‌رسد ایجاد آن متأخر از جلسه‌های مذهبی مردانه باشد. ولی در مقایسه با جلسه‌های مردانه، هم از تنوع بیش‌تری

## هیأت‌های مذهبی زنان

### حسین نوری‌نیا

برخوردار است و هم از کارکردهای متفاوتی. جلسه‌های مذهبی مردانه که در قالب هیأت‌های عزاداری شکل گرفته است، غیر از ایام ویژه‌ی مذهبی، از یک الگو پیروی می‌کنند؛ ولی جلسه‌های مذهبی زنان دارای چندین الگو هستند. در این نوشته، سعی بر آن است تا انواع این جلسه‌ها و مهم‌ترین کارکردهای آن به بحث گذارده شود.

#### انواع جلسه‌های مذهبی زنان

در جامعه‌ی ما که اکثریت آن‌را به لحاظ مذهبی، شیعیان تشکیل می‌دهند، محتوای غالب جلسه‌های مذهبی زنان در وهله‌ی اول، عزاداری اهل بیت پیامبر اسلام (ص) و در وهله‌ی دوم آموزش‌های مذهبی است. به نظر می‌رسد وجه دوم محتوای غالب، مربوط به دوران متأخر تاریخ‌مان باشد و در گذشته‌ای نه چندان دور، وجه اصلی و شاید تنها وجه این جلسه‌ها عزاداری بوده است. بر اساس این دو وجه می‌توان اشکال غالب جلسه‌های زنان را چنین برشمرد:

**الف، روضه‌خوانی‌ها:** جلسه‌های روضه‌خوانی مصائب اهل بیت پیامبر اسلام (ص) که در بیش‌تر موارد مبتنی آن نذری است که فرد برای امری کرده است، شامل دو نوع می‌شود: ۱. جلسه‌هایی که در یکی از روزهای ماه قمری (سومی می‌شود روز اول ماه باشد) طی سال‌های متوالی و یا در تمام عمر برگزارکننده، برگزار می‌شود. در این جلسه‌ها که تعداد شرکت‌کننده‌ها اندک است و شماری از نزدیکان و همسایگان نذرکننده در آن حضور دارند از یک یا چند روضه‌خوان مرد برای ذکر مصیبت اهل بیت دعوت می‌شود. نوع ذکر مصیبت به نذر فرد باز می‌گردد که البته غیر از ذکر مصیبت نذر اولیه، بسیار پیش می‌آید که بر اساس نذرهایی که وی و یا دیگران در طول ماه گذشته

کرده‌اند، مصیبت دیگری نیز خوانده می‌شود. هر ذکر مصیبت، چند دقیقه به طول می‌انجامد. از این رو، این جلسه‌ها در زمانی کوتاه برگزار می‌شود. گاه مشاهده می‌شود که مسأله‌ای فقهی نیز قبل و یا بعد از روضه‌خوانی عنوان می‌گردد. ۲. جلسه‌های روضه‌خوانی دهه‌های مذهبی؛ مانند: دهه‌های محرم و دهه‌های فاطمیه. در این جلسه‌ها که عموماً بانی مشخصی دارد، یک یا چند روضه‌خوان در زمان طولانی‌تری به مصیبت‌خوانی می‌پردازند. استقبال زنان از این جلسه‌ها بیش‌تر است.

**ب. جلسه‌های وعظ:** این جلسه‌ها که به صورت هفتگی و یا ماهانه و در ایام خاص مذهبی (مانند ماه محرم و رمضان) هر روز برگزار می‌شود تا حدودی به هیأت‌های مذهبی مردان شباهت دارد. به این صورت که در آن، علاوه بر روضه‌خوانی قرآن، «خانم جلسه‌ای» به تفسیر قرآن، بیان مسائل اخلاقی، احکام فقهی و گاه مسائل اجتماعی و سیاسی می‌پردازد و با ذکر مصیبت از سوی وی یا فرد دیگری خانمه می‌یابد. جلسه‌های نذری ختم انعام نیز به لحاظ ساختار در زمره‌ی این جلسه‌ها قرار می‌گیرد. در این جلسه‌ها هیچ مردی اجازه‌ی شرکت ندارد و حتا سعی می‌شود از حضور کودکان مذکر نیز، حتی الامکان، جلوگیری شود؛ مگر کودکان وابسته به مادر.

**ج. سفره‌های نذری:** این جلسه‌ها بیش‌تر شبیه میهمانی است تا جلسه‌های مذهبی؛ چرا که وجه غالب آن پذیرایی می‌باشد. با این حال، خواندن دعای توسل، زیارت عاشورا، برخی ادعیه و مصیبت اهل بیت نیز در ابتدای جلسه صورت می‌گیرد. این سفره‌ها به نذر بانی آن باز می‌گردد و بیش‌تر شامل موارد زیر است:

۱. ج. سفره‌ی حضرت ابوالفضل (ع): این سفره معروف‌ترین، پرطرفدارترین و به لحاظ دفعات، برگزار بیش‌ترین سفره‌ای است که از سوی زنان، نذر و برگزار می‌شود. در این سفره، علاوه بر خواندن دعای توسل و گاه زیارت عاشورا و روضه‌ی حضرت عباس، پذیرایی مفصلی از مدعوین به عمل می‌آید. اقلامی که در این پذیرایی باید از سوی میزبان تهیه شود چنین است: عدس‌پلو، آش رشته، کاسچی، حلوا، میوه‌ی فصلی، هندوانه (به‌طور خاص)، خرما، آجیل مشکل‌گشا، نان و پنیر و سبزی و تزئین سفره با شمع. وجه متمایز این سفره‌ها با جلسه‌های دیگر زنانه، توجه خاص آن‌ها به

پوشیدن لباس زیبا، استفاده از حداکثر زیور آلات در اختیار و آرایش سر و صورت است به نحوی که حتا «خانم جلسه‌ای» نیز، تا حدودی و گاه تا حد بسیار زیادی از این عرف پیروی می‌کند.

۲. ج. سفره‌ی امام حسن مجتبی (ع): در این سفره نیز، علاوه بر دعای توسل و خواندن روضه‌ی امام حسن، پذیرایی با اغذیه‌ای صورت می‌گیرد که حتی الامکان سبز رنگ باشند؛ مانند: سبزی پلو با کوکو، خیار، سبزی خوردن و چیدن آن‌ها در سفره‌ای سبز رنگ.

۳. ج. سفره‌ی حضرت رقیه: این سفره پیش‌تر در اقشار پایینی جامعه طرفدار دارد و علت آن نیز پذیرایی ساده‌ی آن است. در این سفره که مبنای آن نذر است، علاوه بر ذکر مصیبت، بالاخص مصیبت امام حسین (ع) و دختر کوچک ایشان (رقیه)، پذیرایی ساده‌ای با نان و پنیر و سبزی و خرما به عمل می‌آید.

۴. ج. سفره‌ی بی بی سه‌شنبه: گرچه این سفره نیز بر مبنای نذر انجام می‌شود، ولی محتوایی مذهبی - افسانه‌ای دارد. چندان مشخص نیست که بی بی سه‌شنبه کیست؟ از این سفره گاه با نام «بی بی نور» که گفته می‌شود مراد حضرت فاطمه (ع) است و گاه با نام «بی بی حور» که گفته می‌شود مراد حضرت زینب (ع) است، یاد می‌شود. با این حال، سفره‌ی بی بی سه‌شنبه لزوماً باید سه هفته‌ی متوالی در روز سه‌شنبه برگزار شود، سفره‌ای است که زنان برای گرفتن مراد خود برگزار می‌کنند. این سفره که شرکت‌کنندگان در آن در بیش‌تر موارد محدود هستند، به گونه‌ای برگزار می‌شود که هیچ فرد مذکری در آن حضور نداشته باشد و غذای طبخ شده در آن را که کاجی و یا آش اوماج است و باید در فضای سر بسته و دور از چشم آسمان و آفتاب و مهتاب (خورشید و ماه) آماده شود، نباید تناول کند. این سفره یادگار داستانی است که در هنگام طبخ کاجی نقل می‌شود:

در روزگار قدیم، دختر خارکنی بود که با زن بابای خود زندگی را به سختی می‌گذراند. هر از گاهی کنار چشمه می‌رفت و برای آب، درد دل می‌کرد. روزی در کنار چشمه به خواب می‌رود و خانمی را به خواب می‌بیند. در عالم روپا، وضعیت زندگی خود را برای او تعریف می‌کند. خانم به او می‌گوید مقداری آرد را از هفت زن که نام فاطمه دارند تهیه کن و با شکر در محلی که از آسمان پوشیده باشد، مخلوط و سرخ کن تا گرفتاری تو رفع شود. روز سه‌شنبه وقتی دختر کنار چشمه بود، پسر پادشاه که از آن محل عبور می‌کرد، او را می‌بیند و صد دل عاشق دختر می‌شود دختر را به قصر می‌برد و به عقد خود در

می‌آورد. دختر خارکنی که حالا همسر پسر پادشاه شده، برای برآوردن آنچه در خواب دیده اقدام می‌کند. و چون نمی‌تواند از قصر بیرون برود و از هفت زن فاطمه نام، آرد بگیرد، در هفت محل خانه‌اش، آرد می‌گذارد و به هر محل که می‌رسد می‌گوید: خانم فاطمه مقداری آرد به من بده تا غذایی طبخ کنم و آن‌ها را این‌گونه جمع‌آوری و در فضایی سر بسته کاجی را آماده می‌نماید، مادر شاهزاده که ماجرا را مشاهده می‌کند به شاهزاده می‌گوید که این دختر هنوز گدا منش است و چنین کرده است. پسر پادشاه عصبانی می‌شود و با لگد ظرف کاجی را واژگون کرده و لباس خود را به آن آلوده می‌کند. پس از آن عازم شکار می‌شود. پس از شکار و هنگام استراحت دستور می‌دهد که هندوانه‌ی داخل خورجین اسبش را بیاورند، وقتی ملازمان برای اجرای دستور می‌روند با سر بریده‌ای مواجه می‌شوند و وقتی باز می‌گردند، لکه‌های خون که همان لکه‌های کاجی بود را بر شلوار شاهزاده می‌بینند. مطلب گزارش می‌شود و پسر پادشاه به زندان می‌افتد. همسر شاهزاده (همان دختر خارکن) آن خواب را یکبار دیگر می‌بیند و در ملاقات با او عنوان می‌کند. پسر پادشاه از او می‌خواهد که به شیوه‌ی خود آن کاجی را تهیه کند. همسرش این کار را می‌کند و در نتیجه سر بریده به هندوانه و لکه‌های خون به لکه‌های کاجی تبدیل می‌شود و پسر پادشاه از زندان آزاد می‌شود.

۵. ج. سفره‌ی مسلوله‌ی: این سفره به مناسبت ایام ولادت حضرت زهرا (ع) برگزار می‌شود. در این سفره رسم بر آن است که «سیدها» لباس سبز می‌پوشند و از میهمانان با شربت و شیرینی و میوه پذیرایی می‌شود. مراسم با دعای توسل آغاز و با رقص و پایکوبی زنان پایان می‌یابد.

د. ویژگی‌ها: جلسه‌های مذهبی زنان چند ویژگی متمایز دارند؛ نخست: تمام شرکت‌کنندگان در این جلسه‌ها زنان هستند و غیر از روضه‌خوان که گاه (و بالاخص در روضه‌خوانی‌ها) مرد می‌باشد، سعی می‌شود، بر خلاف جلسه‌های مذهبی مردان که زنان نیز می‌توانند شرکت کنند، هیچ مردی در این جلسات شرکت نکند؛ دوم: این جلسه‌ها در روز برگزار می‌شود. علت آن نیز فراغت بیش‌تر زنان در ساعات روز می‌باشد، بر خلاف جلسه‌های مردان که بعد از غروب آفتاب برگزار می‌شود. سوم: در جلسه‌های زنان با تقسیم کار ساخت‌مند مراجعه نیستیم، مگر در موارد استثناء، از این رو، تنظیم برنامه و پذیرایی به عهده‌ی میزبان و برگزارکننده‌ی مراسم است؛ بر خلاف جلسه‌های مردانه که در آن تقسیم کار نسبتاً دقیقی بین افراد مشخصی صورت می‌گیرد. از این رو، این جلسه‌ها دارای

ساختاری است شامل هیأت مدیره یا هیأت اجرایی و عموم شرکت‌کنندگان. در هیأت اجرایی یا مدیره نیز سلسله مراتبی طولی - عرضی شامل رییس و خدمت‌کنندگان مشاهده می‌شود.

ه. کارکردها: گرچه مهم‌ترین کارکرد آشکار جلسه‌های مذهبی زنان، حفظ برخی شعائر مذهبی است، با این حال، این جلسه‌ها همچون تمام محفل‌ها و گروه‌ها که کارکردی فراتر از کارکرد آشکار خود دارند، دارای کارکردهایی است که به آن می‌پردازیم. باید به یاد داشت که برخی از این کارکردها ممکن است مختص به یکی از این جلسه‌ها باشد.

۱. ه. بازتولید ساختار مردسالار

جلسه‌های مذهبی زنان، از آن‌جا که یکی از میوه‌های طبیعی نظام سنتی جامعه‌ی ما است، حافظ آن نظام نیز هست. شاید اگر این جلسه‌ها در چالش دنیای قدیم و عصر جدید شکل می‌گرفت، ماهیتی انتقادی می‌یافتند، اما شکل و محتوای کنونی آن‌ها که فقط از سنن مذهبی و ملای ارتزاق می‌کنند، بازتولید آن سنن را نیز بر عهده دارند. از همین رو، این جلسه‌ها، اگر هم آگاهی بخش باشند، نسبت به تغییر جایگاه زن در جامعه‌ی کنونی، روشنگری نمی‌کنند، بلکه در جهت حفظ نظم و روابط موجود، بر اموری تأکید می‌ورزند که جامعه‌ی سنتی برای زنان تعیین کرده بود؛ همسری دلسوز و مطیع و مادری مهربان.

شرکت‌کنندگان در این جلسه‌ها این نقش‌ها را پذیرفته‌اند و بر تداوم آن و انجام صحیح و دقیق آن اصرار می‌ورزند. شاید به همین دلیل باشد که کم‌تر می‌توان دختران جوان را در آن جلسه‌ها یافت و یا به ندرت از دختری تحصیل‌کرده سراغ گرفت؛ مگر در سفره‌ها که حضورشان علت دیگری دارد.



۲. ه. تقویت هنجار رسمی جنسیت در جلسه‌های زنانه، به این موضوع که آن‌ها باید قواعد موجود درباره‌ی زن‌ها مثلاً حجاب و نوع و محدوده‌ی رابطه با غیر محارم را رعایت کنند، بالاخص برای دختران جوان، بسیار تأکید می‌شود. نظر غالب در این جلسه‌ها این است که جامعه ناامن و ناپاک است. از این‌رو، نزد زنان مخصوصاً مادران، ترسی شکل می‌گیرد که از یک‌سو هنجار رسمی جنسیت (تفکیک صلب جنسی) را تقویت می‌کند و از سوی دیگر، تحدید روابط دختران را با بخشی از دنیای خارج از خانه به همراه دارد.

### ۳. ه. جلوه‌گری و تفاخر

بخشی از مجالس مذهبی زنانه که به صورت برگزاری سفره‌های گوناگون انجام می‌شود، محفلی است برای جلوه‌گری‌های زنانه و تفاخر نسبت به یکدیگر. در این مجالس (این ویژگی به خصوص در سفره‌ی حضرت ابوالفضل (ع) خود می‌نمایند) زنان با تمسک به انواع آرایش و پوشیدن لباس‌های نسبتاً فاخر خود و به نمایش گذاشتن این جلوه‌ها، در اصل، مرزهای قشریندی اجتماعی را به نمایش می‌گذارند و با بیان نمادین تمایزها، جایگاه فرا دست و فرودست را به یکدیگر و می‌گویند. این نمایش قشریندی از یک‌سو چهره‌ای طبقاتی دارد و اقشار گوناگون اجتماعی را در مقابل هم قرار می‌دهد؛ گرچه شرکت‌کنندگان در هر سفره از اقشاری هستند که فاصله‌ی زیادی با یکدیگر ندارند، اما همان تمایزهای اندک نیز بسیار قابل توجه است و از سوی دیگر، چهره‌ای جنسی دارد و زنان تا حدودی محروم از جلوه‌گری را و می‌دارد تا بر نقش پذیرفته شده‌ی زنانه‌ی خود تأکید ورزند.

### ۴. ه. هویت‌یابی زنانه

در جامعه‌ی ما به دلایل گوناگون تاریخی -

ساختاری، کم‌تر می‌توان از مجالس مختص شادی (به غیر از عروسی‌ها که آن نیز جای بحث دارد) چندان اطلاعی به دست آورد (البته از مجالس مدرن نیز باید چشم‌پوشی کرد) این امر، نه به آن علت است که در این باره اطلاعی ثبت نشده است، بلکه به آن باز می‌گردد که اصولاً چنین مجالسی در حیات اجتماعی ما شکل نگرفته است. همین امر موجب شده است که این خواست، حداقل در شکل، و نه محتوا (شکل شادی نه محتوای آن) به صورت‌های دیگری نمایان شود. از آن‌جا که در این ساختار تاریخی متداوم، زنان بیش از مردان محدود شده‌اند، مجالس مذهبی، محملی شده است تا این امر به نحوی خودنمایی کند و چون مبنای اعتقادی چنین جلسه‌هایی، کسب فیض مذهبی و شنیدن و خواندن ادعیه و نذر و نیاز به درگاه معصومین است، برگزاری لحظاتی و حنا ساعاتی پایکوبی، پس از پایان جلسه، نه ورود به عرصه‌ی شادی که پای نهادن در جهت کاهش و یا زدودن تنش‌های رایج روانی است. این شکل‌گرایی، نه در این بخش از محفل، که در تمام مراسم (مناسک مذهبی و مناسک محفلی) حاکم است و از این‌روست که بیش‌تر، کارکردی جنسی می‌یابد و هویت زنانه را بازتولید می‌کند.

### ۵. ه. جای‌گیری در سازوکار همسرگزینی و دوست‌یابی

از دیرباز، هر محفلی، محل مناسبی برای یافتن زوجی درخور برای فرزندان بوده است. مراسم مذهبی زنانه از این جهت جایگاه ویژه‌ای داشته است. مادران دارای پسران جوان، بخشی از توجه خود را به شناسایی دختران و یا خانواده‌های دارای دختر جوان معطوف می‌کنند. همین شناسایی، باب گفت‌وگو و رفت و آمد و در صورت پذیرش، خواستگاری و وصلت را باز می‌کند.

همچنین، این مجالس، دایره‌ی دوستی‌های زنان را گسترش می‌دهد، به گونه‌ای که زنان، افراد محله‌ی خود و حنا محله‌های همجوار را بیش‌تر و دقیق‌تر از مردان می‌شناسند. گرچه حضور زنان در طول روز در محله، بر این فرآیند بی‌تأثیر نیست، اما نباید از جایگاه این مجالس در تقویت و گسترش آن غافل بود.

### ۶. ه. گذران اوقات فراغت

با توجه به این‌که خانواده‌ی کنونی، حتماً اگر

در آن هنجارهای سنتی حاکم باشد، بخش عمده‌ای از کارکرد خانواده‌ی گذشته را از دست داده است، از یک‌سو هم برای همه‌ی اعضا، زمان‌هایی در طول روز و یا هفته به صورت اوقات فراغت ایجاد شده است و از سوی دیگر به علت وضعیت اشتغال شوهران و تحصیل فرزندان، کم‌تر با اشتراک در زمان اوقات فراغت مواجه هستیم. از این‌رو، هر کدام از اعضای خانواده به برنامه‌ای مختص خود برای گذران اوقات فراغت نیاز دارد؛ به غیر از برنامه‌هایی که در ایام مشترک همه‌ی اعضا به اجرا در می‌آید.

مراسم مذهبی زنانه، برای زنان یکی از فرصت‌های مغتنمی است که می‌تواند بخشی از اوقات فراغت آن‌ها را پر نماید. آن‌ها برای برگزاری یکی از این مجالس، بالاخص مراسم سفره، درگیر مقدماتی می‌شوند که برای مدتی روال تکراری و عادی زندگی روزمره را ترک می‌گویند و پس از مجلس نیز برای مدتی طول می‌کشد تا به همان روال عادی و روزمره باز گردند. از این‌رو، هر سفره با مقدمات و مؤخراتش، زمانی را از فرد می‌طلبد که او را به خود مشغول می‌دارد و همین امر به او فرصت می‌دهد تا بتواند آن روال عادی زندگی را بیش‌تر بپذیرد و تحمل کند.

### ۷. ه. کمک‌های مالی به نیازمندان

یکی از کارکردهای مجالس مذهبی زنانه، جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی آن‌ها برای نیازمندان اعم از فقرا و تهی‌دستان ساکن در محل و یا آشنای «خانم جلسه‌ای». تهیه‌ی جهیزه برای دختران نیازمند، تأمین هزینه‌ی درمان و سرپرستی زنان بی‌سرپرست و حنا در بعضی از مجالس که از برنامه‌ریزی دقیق‌تر و بضاعت مالی بیش‌تری برخوردار هستند، پرداخت وام‌های قرض‌الحسنه و یا بلاعوض است. البته، باید یادآور شد که دامنه‌ی این فعالیت با توجه به گستردگی مجالس زنانه، چندان زیاد نیست، اما، می‌توان به‌عنوان مقوله‌ای مهم مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

و. مؤخره: جلسه‌های مذهبی زنانه با مجموعه‌ی کارکردهای روانی، اجتماعی، اقتصادی و حنا‌گاه سیاسی در قالب مراسم عزاداری، پایکوبی و تلفیق این دو در جهت شکل‌گیری و تداوم «خود» مبتنی بر «دیگری» تعمیم‌یافته‌ی بخشی از زنان جامعه‌ی ما نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. این جلسه‌ها ضمن تلطیف فشارهای روانی و جایگاهشان در بازی

**یکی از جلوه‌های نهاد دین هیات‌ها و جلسه‌های مذهبی است که از سوی معتقدان برای انجام برخی از مناسک مذهبی برگزار می‌شود**

«من» و «دیگری»، تا حدودی در همبستگی و مشارکت اجتماعی زنان تأثیرگذار است. این همبستگی، از آنجا که این جلسه‌ها ثمره‌ی اجتماع سنتی بوده است تا جامعه‌ی مدرن، در جهت استیفای حقوق زنان عمل ننموده و در مقابل، با ترویج هنجارهای اجتماع سنتی به‌طور غیرمستقیم، به مقابله با هنجارهای جامعه‌ی مدرن پرداخته است. اما، با توجه به تحولات اجتماعی (در معنای کلان آن) در جامعه‌ی ما، این جلسه‌ها نیز از چالش‌دنیای قدیم و جدید، که تحت عنوان چالش سنت و مدرنیسم از آن یاد می‌شود، در امان نبوده است. از این‌روست که در بین بعضی از اقشار اجتماعی با شکل‌گیری این مراسم مواجه هستیم؛ شکلی که بخشی از محتوای گذشته‌ی خود را از دست داده و هنوز محتوای نوینی جایگزین آن نشده است. این تغییر به‌گونه‌ای است که عرصه‌ی اقشار پایینی جامعه را نیز در نوردیده و موجب کاهش اعتبار قبلی بعضی از این جلسه‌ها شده است. به‌نظر می‌رسد شهرنشینی و الزام‌های آن، گسترش سطح سواد و حضور یک یا چند جوان دارای تحصیلات عالی در بیش‌تر خانواده‌ها، بالاخص شهری، در ایجاد چنین چالشی در خانواده‌ها و تأثیرش بر جلسه‌های مذهبی زنانه مؤثر بوده است. این‌که بسیاری از زنان حتی اقشار پایینی و متوسط پایین و خانواده‌های مذهبی، برخی از این مراسم مانند سفره‌ی بی‌بی سه‌شنبه را خرافه می‌دانند و یا میزان استقبال از جلسه‌ها، بالاخص جلسه‌های وعظ، نه به خود جلسه و الزام درونی برای شرکت در آن، بلکه به سخنران و میزان توانایی‌اش در طرح موضوع‌های متنوع مذهبی، باز می‌گردد. عدم توانایی مادران در جذب دختران جوان خود به این جلسه‌ها و محصور ماندن بیش‌تر چنین جلسه‌هایی در بین افراد بی‌سواد و یا کم‌سواد و یا حضور برخی از زنان تحصیل کرده در بعضی از این جلسه‌ها، با اهداف و خواسته‌هایی نسبتاً متفاوت از زنان سنتی، می‌تواند نشانه‌هایی باشد بر این‌که این جلسه‌ها دو راه بیش‌تر در پیش روی ندارند: یا مقاومت در مقابل تغییر و در نهایت کاهش دایره‌ی نفوذ و به‌تدریج استحاله‌ی شکل‌گرایانه در جامعه‌ی جدید و یا پذیرش تغییر وضع موجود و اتخاذ جایگاهی نوین به‌عنوان انجمن‌هایی زنانه برای گسترش مشارکت نوین زنان و حمایت غیررسمی از زنان نیازمند و مقابله با نظم کتونی در جهت تحقق حقوق زنان. ◇

## تنور مبارکه

### (تحلیل رخداد مبارکه از منظر جامعه‌شناسی دین)

عماد افروغ

در نهایت به‌خاطر منجر شدنش به درگیری، تیراندازی و مجروح شدن بیش از یکصد نفر، تحت پوشش خبری قرار گرفت موردی بود که ما آن را تحت عنوان «تنور مبارکه»: نامگذاری می‌نماییم. با گفت‌وگویی که با یکی از منابع مطلع داشتیم، معلوم گردیده که در اصفهان موارد دیگری نیز بوده است که در مطبوعات درج نگردیده است، از جمله: در گلپایگان دختری ۱۴ ساله مدعی ارتباط با پیامبر(ص) شده بود به‌گونه‌ای که مردم مرتب برای گرفتن حاجت، به وی مراجعه می‌کردند. در شهرک واحد واقع در زرین‌شهر، خانمی مدعی ارتباط با ائمه از طریق تنور می‌شود، به‌شکلی که مردم به آن تنور مراجعه می‌نمودند و دخیل می‌بستند. البته در نهایت زن اعتراف می‌کند که به‌خاطر سرخوردگی‌های اجتماعی به این‌کار مبادرت نموده است.

در اصفهان، دختری ۱۸ ساله مدعی می‌شود که با امام زمان (ع) ارتباط داشته و دست‌خطی نیز از ایشان دارد. ظاهراً قضیه از این قرار بوده است که این خانم نذر می‌نماید که به علت بیماری مادرش به مسجد مصلی واقع در اصفهان برود در آنجا یک جوان می‌آید و با نام امام زمان (ع) دست‌خطی با خودکار قرمز در اختیار او قرار می‌دهد.

در نجف‌آباد فردی به مقامات مسؤول مراجعه نموده مدعی می‌شود که کسی به خواب من آمده و اظهار داشته است که مقامات مسؤول باید امکاناتی از قبیل مسکن، اتومبیل و... در اختیار من بگذارند و الا دنیا به آخر می‌رسد.

در مبارکه نیز دو ماه پیش از حادثه گنور،

باورهای فرهنگی را یکی از عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگی می‌دانند که به‌راحتی تن به دگرگونی نمی‌دهد. اگر بتوان همین لایه‌ها را نیز رده‌بندی کرد، به‌طور قطع، باورهای دینی جزء عمیق‌ترین لایه‌هاست. تبیین و ریشه‌یابی این لایه‌ی فرهنگی، پیش از هر چیز مستلزم شناخت این لایه از فرهنگ است و آن‌هم با هر روشی از جمله روش‌های متداول کمی امکان‌پذیر نیست. باید قبل از هر چیز با انتخاب روش‌شناسی و تکنیک مناسب در نگاه، تفسیر و ارزیابی مردم از پدیده‌های اجتماعی شریک شد، باید آنان و دنیای آن‌ها را همان‌گونه که خود می‌بینند و تفسیر می‌کنند، دید و تفسیر کرد. و این مهم نیز با انتخاب روش‌های کیفی و انتخاب تکنیک مناسب - در مورد موضوع مبارکه، مصاحبه عمیق - امکان‌پذیر نیست.

در این تحقیق سعی شده است تا پس از جمع‌آوری اطلاعات دقیق و عمیق با استفاده از نظریه‌های موجود در جامعه‌شناسی دین به تحلیل واقعه‌ی «تنور مبارکه» بپردازیم. اطلاعات به‌دست آمده حاصل سفری بود که در تیرماه ۱۳۷۲ مصادف با ماه محرم، صورت گرفت. بنابراین بسیاری از اطلاعات مندرج در این مقاله مربوط به سال ۷۲ است.

ظاهراً این‌گونه به‌نظر می‌رسد که در سال‌های اخیر شاهد ادعاهای فزاینده‌ای مبنی بر رویت معجزات و کرامات از سوی مردم در اقصا نقاط کشور، به‌ویژه، شهرهای کوچک باشیم. این مسأله در کنار احیاء رو به رشد آشکالی سنتی عزاداری، از قبیل قمه‌زنی، تعزیه‌خوانی و... ما را به تجزیه و تحلیل ریشه‌های آن فرا می‌خواند. یکی از مواردی که